

فرصت های سرمایه گذاری در بخش صنایع کوچک

محمدجعفری^۱، بهزاد ملکی حسنوند*^۲، معصومه مطلبی^۳

چکیده

در سالهای اخیر توجه فزاینده ای به کوچک سازی کردن و روند توسعه بنگاههای کوچک و متوسط به طور چشمگیری افزایش یافته است. این بنگاهها دارای مزایای زیادی نسبت به صنایع بزرگ هستند که از آن جمله می توان از ارزش افزوده، نوآوری، اشتغال آفرینی و انعطاف پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ نام برد. بنابراین، توجه به این بخش از اقتصاد ضروری است. در این مقاله با بررسی متغیرهایی مانند ارزش افزوده، اشتغال، سرمایه گذاری و شاخص های بهره وری نیروی کار به بررسی جایگاه وضعیت صنایع کوچک در استان لرستان می پردازیم. بنابراین این مقاله کوشیده است تا نقش و جایگاه بنگاه های مذکور را علاوه بر معیار تعداد بنگاه ها، سهم آن ها را از اشتغال، تولید و ارزش افزوده در صنایع تولیدی نیز مورد بررسی قرار دهد. با چنین رویکردی و با در نظر گرفتن روند تغییرات سهم بنگاه های کوچک و متوسط با چهار معیار مذکور، نتایج این مطالعه نشان دهنده آن است که طی سال های دوره مورد بررسی، با اینکه سهم زیادی از بنگاه های صنعتی لرستان را بنگاه های با اندازه کوچک و متوسط تشکیل داده اند، ولی سهم بنگاه های مذکور از اشتغال در صد کمی بوده است.

کلیدواژه ها: بنگاه های کوچک و متوسط، اشتغال، تولید، ارزش افزوده، لرستان

۱- استادیار دانشگاه لرستان-دانشکده علوم اقتصادی و اداری- گروه اقتصاد alizadeh_176@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد- دانشگاه لرستان- دانشکده علوم اقتصادی و اداری- گروه اقتصاد behzadmaleki1393@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد- دانشگاه لرستان- دانشکده علوم اقتصادی و اداری- گروه اقتصاد masoumehmotalleib@yahoo.com

مقدمه

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق جهان بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهایی که معمولاً در تعریف صنایع کوچک و متوسط به کار می روند عبارتند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی، کل حجم فروش و ظرفیت تولید. اما رایج ترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، معیار تعداد کارکنان است. تغییر سریع و گسترده فناوری تولید در دهه های اخیر و فاصله گرفتن از تولید انبوه در صنایع بزرگ و گرایش به سمت تولید انعطاف پذیر در صنایع کوچک و متوسط، هر چند توانایی رقابت فعالیت های صنعتی کوچک را افزایش داده و منجر به انتقال فعالیت های اقتصادی از صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک شده، لیکن این موضوع به معنای حذف صنایع بزرگ و جایگزینی آن با صنایع کوچک نبوده؛ بلکه روند حرکت، به سوی تعامل هر چه بیشتر این دو با یکدیگر و در قالب یک زنجیره تولید بوده است. به گونه ای که تقسیم کار میان صنایع کوچک و بزرگ به شکلی صورت پذیرفته که آنها به جای رقابت با هم، یکدیگر را کامل می کنند. بر همین اساس رویکردهای حمایت از بنگاه های کوچک و متوسط به ویژه حمایت های مالی در اقتصاد ایران باید با لحاظ کردن فضای اقتصاد کلان و جایگاه بنگاه های کوچک و متوسط در کل اقتصاد مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. ایجاد و حمایت از بنگاه های کوچک و متوسط یکی از اولویتهای اساسی در برنامه های توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته است. بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال، و فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری و افزایش صادرات نقش مهمی دارند. شرکتهای کوچک از انعطاف پذیری بیشتری برخوردارند و کارآفرینی و خلاقیت بیشتری در آنها صورت می پذیرد. شرکتهای کوچک و متوسط راحت تر می توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریعتر واکنش نشان دهند. بنگاههای کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند. تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکتهای بزرگ توسط شرکتهای کوچک و متوسط صورت می گیرد.

۱ - اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط

نگاهی کوتاه به ساختار نظام اقتصادی کشورهای مختلف ما را با اهمیت و جایگاه شرکتهای و بنگاههای کوچک و متوسط بیشتر آشنا می کند. در خصوص اهمیت این شرکتهای، همین بس که حداقل ۲/۳ میلیون موسسه کوچک و متوسط در آلمان وجود دارد که تعداد کارکنان آنها ۲۰ میلیون نفر است و ۷۰ درصد کل شاغلان این کشور را در خود جای داده اند. در ایالات متحده نیز حدود ۲۵ میلیون بنگاه کوچک وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار